



"خود" های روحانیت در شبکه های اجتماعی: ظرفیت ها و چالش ها



سیدمحمد کاظم قهرخی *

نگارنده در مقاله‌ای با عنوان « "خود" های روحانیت در شبکه اجتماعی اینستاگرام؛ ظرفیت‌ها و چالش‌ها»، به طرح این سؤال پرداخته است که گونه‌های هویت‌طلبگی در کنش‌گری طلاب در فضای مجازی کدامند و چالش‌ها

و ظرفیت‌های آن‌ها دارای چه مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی است؟

نویسنده با در نظر قرار دادن دیدگاه "تجربه‌گرا" در مورد مفهوم "خود"، این مفهوم را محصول کنش اجتماعی قلمداد می‌نماید و این نکته را مدنظر قرار می‌دهد که تغییر ابزارهای رسانه‌ای، در فرآیند تعریف و تشکیل «خود»، مؤثر بوده است و از همین رو، در این مقاله تلاش می‌کند تا به موضوع بازنمایی مجازی طلاب و چالش‌ها و ظرفیت‌های آن بپردازد.

در همین راستا، نویسنده حدود چهار مورد از صفحات اینستاگرام متعلق به روحانیان را انتخاب کرده است و با روش تحلیل محتوای کیفی و توجه ابعاد نظریه گافمنی به عنوان چارچوب نظری، تلاش می‌کند تا کنش‌گری مجازی طلاب را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. کلیدواژه‌هایی که نویسنده در این مقاله مطرح کرده است، عبارتند از "خود، خودمجازی، نظریه نمایشی، گافمن، اینستاگرام".

تخلیلهای خود از اینستاگرام استفاده می‌کند و تأکید می‌کند که اینستاگرام در حال حاضر از مهم‌ترین شبکه‌های مجازی مورد کاربرد مخاطبان ایرانی است و استفاده از آن روند رو به رشدی را داشته است.

دو دیدگاه درباره "خود"

مقاله، مفهوم «خود» را مد نظر قرار می‌دهد و به دو دیدگاهی که در این باره وجود دارد، اشاره می‌نماید. در دیدگاه اول، «خود» نمی‌تواند به وسیله ابزارها و محیط‌های ارتباطی تعیین و بازتاب داده شود، اما در دیدگاه دوم، «خود» به عنوان بازتاب ساخت یافته به وسیله دیگری تعمیم یافته و بر طبق قضاوت دیگری تعریف می‌شود و به عبارت دیگر مفهوم ما از خود، برداشت ما از "ارزیابی اجتماعی" خودمان است.

نگارنده سپس به دیدگاه گافمن درباره «خود» اشاره می‌کند و می‌گوید: «گافمن خود را از طریق کنش و فعالیت این جهانی (جهان بیرون) برای شفاف کردن فرآیند شکل‌گیری خود به عنوان محصول نمایش مورد مطالعه قرار می‌دهد. خودهای چندگانه‌ای که برای نمایش‌های چندگانه ایجاد می‌شوند. بر این اساس خود هم دارای نقش "بازیگری" و هم جایگاه "نمایشگری" است. «خود» بازیگر، برداشت‌هایی است که بیشتر در وظیفه انسانی نمایش یک اجرا نشان داده می‌شود اما خود نمایشگر، محصول کنش متقابل است» و بر اساس چارچوب مفهومی گافمنی

نگارنده مقاله پس از اشاره به جایگاه تاریخی روحانیان در جامعه ایرانی، به این نکته اشاره می‌کند که با وقوع انقلاب اسلامی، انتظارات از طلاب و اختیارات آن‌ها گسترش یافته و به همین جهت، طلاب مجبور به ورود به موضوعات متنوعی از جمله مسائل رسانه‌های عمومی شده‌اند و این موضوع موجب شد تا مسئله تحول در هویت‌ها و خودهای طلاب در فضای مجازی پیش بیاید. نویسنده در مقاله‌اش سعی کرده است تا با کاوش در صفحات و پست‌های طلاب که نمایانگر هویت و خود طلبگی آن‌هاست گونه‌های کنش‌گری طلاب را بررسی کند و از این رهگذر ظرفیت‌ها و چالش‌های موجود در فضای مجازی را صورت‌بندی نماید. نویسنده در مقاله‌اش از تحلیل محتوای جهت‌دار استفاده می‌کند که هدف از آن، معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است.

این مقاله، هم‌چنین به مفهوم رسانه می‌پردازد و اشاره می‌کند که یورگن هابرماس بزرگ‌ترین شخصیتی است که رسانه‌های جدید را عاملی در جهت تشکیل حوزه عمومی جایگزین می‌داند.

نگارنده «نمایش عددی، پیمانانه‌ای شدن، تنظیم خودکار یا اتوماسیون، تغییرپذیری، پیکربندی و پیوند اطلاعات» را از جمله تحولاتی برمی‌شمارد که سرآغاز تأثیرات رسانه‌های جدید به شمار می‌آیند. وی برای

در تعریف خود مجازی چنین گفته می‌شود که «خود، صرفاً یک ماسکی است که یک شخص در یک موقعیت خاص می‌پوشد.»

روحانیت و بازنمایی رسانه‌ای

سپس نگارنده برای بررسی و تحلیل مد نظرش، چهل مورد از صفحات اینستاگرامی را انتخاب نموده و تمام متون رسانه‌ای آن‌ها را به گزاره تبدیل می‌کند، آن‌ها را کدگذاری کرده و به تحلیل آن‌ها پرداخته است. یکی از خودهایی که روحانیت در بازنمایی با آن مواجه است خودشخصی اوست و در این باره هر روحانی تلاش می‌کند با روایت زندگی خود و با ایجاد فضای مشترک با مخاطباناش از طریق داستان سازی با او هم‌ذات‌پنداری ایجاد نماید و بیان کند جایگاه او به عنوان یک انسان و البته به عنوان هدایت‌گر از لحاظ دینی و ارزشی، ایشان را از اقتضائات فردی و اجتماعی جدا نمی‌کند. به باور نویسنده این موضوع را می‌توان مهم‌ترین خصلت بازنمایی زندگی روحانی در فضای مجازی تلقی نمود که می‌تواند زمینه‌ساز توان مندی افراد برای استفاده از اعتقادات، باورها و رفتارهای دینی در بطن زندگی روزمره باشد.

بر اساس آنچه نویسنده تأکید می‌کند یکی از نکات تحلیلی این است که ممتاز و متغیر بودن خود شخصی و نیز تحولات شرایط آن، باعث پذیرش نقش‌ها و بازنمایی‌هایی در فضای مجازی می‌شود که افراد را در خوانش طلاب با شئون اجتماعی صنفی آن‌ها دچار سردرگمی و تردید نماید.

بازنمایی و زیبایی شناختی

هم‌چنین یکی دیگر از مهم‌ترین وجوه خود شخصی در بازنمایی، توجه به زیبایی شناختی است. در این جا خودشخصی و خوداجتماعی با یک‌دیگر ترکیب می‌شوند تا بتوانند خودروحانی و مذهبی طلبه را گسترش دهند و در بازنمایی با ایجاد جذابیت بصری مخاطب را به سمت آن جذب نماید. بعد مثبت این تحول آن است که نگاه منفی تاریخی بی‌توجهی به جلوه بیرونی روحانیت به عنوان یک داغ ننگ کاهش یابد و نسل جدید بتواند بهتر با آن تعامل نماید.

تحلیل بعدی نویسنده مقاله این است که روحانیان در تعریف از خود، تلاش دارند تا در بازنمایی استقلال خودروحانی را از حاکمیت، حفظ نمایند. خودروحانیت نمی‌خواهد به دلیل روی کار آمدن خودحاکمیتی، ذیل آن تعریف گردد، ضمن این که روحانیت در ساخت خود از فضای مجازی بر آن است تا خود را نه مستبد که خیرخواه جلوه‌گر نماید.



یکی از خودهایی که روحانیت در بازنمایی با آن مواجه است خودشخصی اوست و در این باره هر روحانی تلاش می‌کند با روایت زندگی خود و با ایجاد فضای مشترک با مخاطباناش از طریق داستان سازی با او هم‌ذات‌پنداری ایجاد نماید و بیان کند جایگاه او به عنوان یک انسان و البته به عنوان هدایت‌گر از لحاظ دینی و ارزشی، ایشان را از اقتضائات فردی و اجتماعی جدا نمی‌کند.



روحانیت قرار می‌گیرد و تصویرسازی از آن‌ها را مخدوش می‌نماید. فضای مجازی به دلیل آن که دارای زبان و باورهای عامیانه پررنگ‌تر نیز هست این موضوع را تشدید می‌کند و از همین رو پشت‌صحنه این نوع نقش‌آفرینی روحانیت را می‌توان در تقابل هویت ملی و اسلامی دانست که از زمان مشروطه به بعد در ایران ایجاد شده است.

نیز در همین راستا طلاب در فضای مجازی تلاش می‌کنند با نگاه غالب به دین به‌عنوان یک منش خشک و غمناک مبارزه نمایند و با ایجاد فضایی سالم در حیطه خود روحانی و مذهبی‌اش، تفریح و شادی را مشروعیت بخشد.

از دیگر نتایج و تحلیل‌های خود اجتماعی روحانیت این است که شبکه‌سازی در فضای واقعی به فضای مجازی تسری پیدا نکرده است و همین موضوع باعث شده افرادی که باعث شکل‌گیری شبکه‌ها می‌شوند با مراجع سنتی متفاوت باشند. در این جا با مبلغان منفردی مواجهیم که از یک سو دارای خصلت کنشگری اجتماعی و سیاسی به نسبت

نیز در همین راستا طلاب در فضای مجازی تلاش می‌کنند با نگاه غالب به دین به‌عنوان یک منش خشک و غمناک مبارزه نمایند و با ایجاد فضایی سالم در حیطه خود روحانی و مذهبی‌اش، تفریح و شادی را مشروعیت بخشد.

تحلیل دیگر نویسنده آن است که روحانیان در حال نرمالیت‌شدن هستند. پیامد این جهت‌گیری آن است که پررنگ بودن خودحاکمیتی در قشر روحانیت آن‌ها را از خودانقلابی آرمان‌گرا دور نگه داشته است. بنابراین نمی‌توان جریان‌سازی، نهادسازی و گفتمان‌سازی جدیدی را از آن‌ها انتظار داشت.

خود اجتماعی

در مورد خود اجتماعی روحانیت، نویسنده اولین تحلیلی که ارائه می‌دهد این است که روحانیت با پررنگ شدن خود اجتماعی به دلیل تعامل با مسائل و گروه‌های دیگر اجتماعی در فضای مجازی تلاش دارد تا خوانش جدیدی از سنت تفسیر فردگرایی از دین ارائه نماید و نگاهی جامعه‌محورانه به تمام احکام و عقاید دینی عرضه کند.

تحلیل بعدی نویسنده در مورد خود اجتماعی روحانیت این است که تمرکز بر خوددینی، روحانی را از تعامل بازمی‌دارد و توجه تنها بر خود اجتماعی باعث مشروعیت بر عمل انجام‌شده می‌شود؛ ضمن این که خودمذهبی و دینی روحانیت به دلیل این که دین اسلام با یک برچسب سنتی مواجه است و چون مصادیق در حال تحول است، نگاه به‌روز و تجدید شدن به دین را در افکار عمومی با یک تردید همراه کرده است.

هم‌چنین ذیل خود اجتماعی روحانیان نویسنده به این مورد اشاره می‌دارد که بازنمایی عامیانه از دین‌داری در مقابل خودنخبگانی

جایگاه علمی و معنوی هستند و از طرف دیگر دارای پیروان باکمیت بالایی هستند اما نه ذیل مکتب و برند خاص.

هم چنین عدم مشخص بودن مرز هویت صنفی روحانی، عدم جذابیت روحانیت و لزوم بازنمایی مردمی بودن از سوی طلاب آن‌ها را مجاب نموده است تا به بازیگری در نقش‌ها و حضور در موقعیت‌هایی دست بزنند که در برخی از نگاه‌های درون صنفی با خود روحانی در تغایر است.

نویسنده هم چنین بر این نکته اشاره می‌کند که در گذشته عاملان اصلی در جذب کمک‌های مردمی دفاتر مراجع و یا ائمه جماعات محله بودند و همین موضوع سرمنشأ شبکه‌ها را به سمت آن‌ها سوق می‌داد. تحولی که فضای مجازی ایجاد کرده، این است که عاملان را در این موضوع متنوع نموده و افراد بر اساس سرمایه شبکه‌ای خودشان می‌توانند به جذب اعتبار و نیز کمک‌رسانی به نیازمندان بپردازند.

از جمله دیگر تحلیل‌های مورد اشاره مقاله این است که با توجه به تحولات اجتماعی و اقتضایی نسل جدید، روحانیت از جبهه‌گیری منفی در تعامل با فرزندان خودش که می‌تواند در قبال ظواهر مدرن آن‌ها اتفاق بیفتد در

حال گذر است و در مورد همسران طلاب نیز رمانتیک نشان دادن روحانیت در روابط زناشویی می‌تواند در تقابل با تصور رفتار کلاسیک و سرد متأثر از زندگی دین‌دارانه و ظرفیت بالای آن در حوزه عاطفی تعریف شود اما از سوی دیگر این همانندی می‌تواند باعث تأثیرپذیری از فرهنگ غالب فضای مجازی شود.

خوددینی

نویسنده ذیل خوددینی روحانیت به این نکته اشاره می‌دارد که مزیت بازنمایی‌های شخصی و منحصر به فرد فرصت دیگری که در فضای مجازی ایجاد می‌کند آن است که می‌تواند محملی باشد تا از زاویه‌های دید و روایت‌های مختلفی از این مناسک خوانش شود.

ذیل تحلیل مکان - فضا، نویسنده این تحلیل را دارد که خوددینی روحانیت در بازنمایی مکان‌های مقدس نتوانسته است تمایزی در ارائه آن‌ها داشته باشد و به عبارت دیگر نشانه‌ای از هویت روحانی دیده نمی‌شود. این مطلب یکی از تأثیرات مناسکی و آیینی شدن

مراسمات مذهبی و دینی و محدودیت‌های فضای مجازی در توانایی انتقال معنای زمینه‌ای متن است.

از دیگر موضوعات مورد اشاره مقاله این است که در بازنمایی خوددینی، ساده‌ترین

روحانیانی که با فضای مجازی در تعامل هستند، می‌خواهند با خارج کردن فضای منبر از حالت سنتی و فاصله گرفتن از خود علمایی، با پررنگ کردن خود اجتماعی و نیز قابلیت انعطافی که در فضای مجازی در تعریف مکان‌های متفاوت وجود دارد نوع جدیدی از منبر ارائه دهند.

ارائه تصویری مطلوب از خود، در فضای مجازی به سر می‌برد.

۲. خوداجتماعی روحانیت به دلیل داشتن ارتباط با سایر گروه‌های اجتماعی در فضای مجازی پررنگ‌تر شده و همین موضوع من مفعولی روحانیت به نسبت سایر جنبه‌های او تزاخم بخشیده که در درازمدت می‌تواند من فاعلی که برآمده از خودصنفی و دینی او است را تحت تأثیر قرار دهد.

۳. روحانیان تلاش دارند تا تصویرهای ساخته‌شده از خودروحانی در جامعه را برای ایجاد یک ارتباط اجتماعی قوی تصحیح نمایند. از این رو دیده می‌شود روحانیت نیز به سمت سلبریتی‌گرایی در حال حرکت است.

۴. فضای مجازی به دلیل تمرکز نشانه‌ای (مانند تمرکز بر عکس و تصویر) موجب جذب مخاطب و پیرو می‌شود و اجتماعات هویتی شکل می‌دهد و همین موضوع فرصتی است تا روحانیت بتواند از این مزیت در راستای اهداف خویش استفاده نماید.

پی‌نوشت:

* عضو هیئت علمی و استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سطح شناختی یعنی احساس، بیشتر از سایر موارد درگیر می‌شود، چراکه به نسبت سایر مؤلفه‌های شناختی، انتقال آن از طریق فضای مجازی میسر و برای مخاطبان بهتر قابل درک می‌باشد و همین موضوع باعث سطحی شدن و تفسیرپذیری غیرمعیار معرفت دینی می‌گردد.

در مورد خودرسانه‌ای روحانیت، مقاله به این نکته اشاره می‌کند که با کسر قابل توجهی از روحانیانی که با فضای مجازی در تعامل هستند، می‌خواهند با خارج کردن فضای منبر از حالت سنتی و فاصله گرفتن از خودعلمایی، با پررنگ کردن خوداجتماعی و نیز قابلیت انعطافی که در فضای مجازی در تعریف مکان‌های متفاوت وجود دارد نوع جدیدی از منبر را ارائه دهند. در همین راستا نیز تلاش می‌کنند تا از ظرفیت‌های جذاب رسانه‌های دیگر همچون موسیقی، برش‌ها، اکو و سایر موارد استفاده نمایند و این موضوع، چه بسا موجب سطحی شدن معانی، شکستن خطوط هنجاری و عقلانی در جهان واقعی و در یک کلام تفاسیر غیر معتبر از لحاظ نخبگانی شود و در نهایت روحانیت یا نتواند در انتقال مضامین محدودیت‌ها را لحاظ نماید و یا آن‌که به سمت فاکتورها و ویژگی‌های عامه‌پسند بیشتری حرکت کند.

نتیجه:

در نهایت، نویسنده به نتایج زیر اشاره می‌کند:

۱. روحانیت به دلیل داشتن هویت ارزشی قوی اما نامتعیین در شرایط واقعی، در سردرگمی